

## رقص موجها

این موجها که از سرِ دریا گذشته‌اند  
از «شاید» و «نشاید» و «اما» گذشته‌اند<sup>۱</sup>  
دل را به وهم هیچ خانه‌ی امنی نبسته‌اند  
هر جا رسیده‌اند از آنجا گذشته‌اند  
در پیچ و تاب حادثه گاهی به شکل راز  
سربسته از کنار تماشا گذشته‌اند  
با بادهای معاشقه دارند روز و شب  
این هر دو از نشستن بی جا گذشته‌اند  
شوریده سر از آن سر دنیا رسیده‌اند  
شوریده سر از این سر دنیا گذشته‌اند  
بود و نبودشان به همین رقص بسته است  
این موجها که از سرِ دریا گذشته‌اند

---

- بیدل (حرف اقامتت مثل ناخن است و مو / هر جا رسیده باشی از آنجا گذشته‌ای)<sup>۱</sup>